



### مناسبات بازار هنر و دغدغه های تازه

این روزها مسأله هویت خیلی کم رنگ شده است. اصولاً نقاشان کمتر به این فکر می کنند یا ضرورت می بینند که عضو یا منطبق با یک جریان هویتی خاص هنری باشند. این روزها چیزی که بیش از هر متغیر دیگری روی کارهایی که به دیوار گالری ها آویخته می شوند تأثیر دارد، اقتصاد است. یعنی آرتیست برای زودتر نمایشگاه برگزار کردن و فروش آثارش مجبور است به برخی مناسبات بازار و اقتصاد تن بدهد. «مسأله فروختن»، مسأله مهمی در هنر تجسمی امروز شده است. این روزها و یا رنگ و بوی نوستالژی تهران قدیم دارد با اقبال زیادی از سمت خریداران روبه روست. به همین دلیل فکر می کنم کارهایی که این روزها روی دیوار می بینید، چندان معیار خوبی برای سنجش دغدغه ها و سیر فکری هنرمندان امروز ایران نباشند.



هم صحبت با مهدی چیت سازها درباره دنیای نقاشی هایش

## ردپای زندگی در کوچه های قدیمی

مهدی چیت سازها نقاش تمام وقت و مستند ساز پاره وقت است. متولد ۱۳۵۲ در قزوین؛ که دانشش روی تاریخ و سیرتطور هنرهای تجسمی ایران در تحلیل هایش از این مسیر متجلی است. مجموعه نقاشی های اخیرش با نام کوچه ها، سرکی است به فضاهای حاشیه ای که روزگاری متن زندگی شهری بوده اند. متن زیر برشی از یک گفت و گوی بلند با او است که به شکل روایتی اول شخص تنظیم شده است.

مسأله هویت همیشه برای نقاشی نوگرای ایران، مسأله ای محوری بوده است. نسل اول این نقاشان نوگرا تا حدی پیگیر این هویت جویی بودند که مدام در این باره می نوشتند و بحث می کردند و در تلاش بودند از مینیاتور تا آیین های مذهبی، تکه هایی از این هویت را جست و جو و در کار خود وارد کنند. در سال های آخر پهلوی ها مدرنیست های ایرانی تلاش کردند با روی آوردن به هنر روز غربی و نقاشی انتزاعی، مسأله را برای خودشان آسان تر کنند اما این جریان زود به حاشیه رفت چرا که با مقاومت مردم و روشنفکران آن سال ها روبه رو شد. دهه شصت هم که دوره سکوت و رواج هنر متعهد بود و بعد از جنگ کم رنگ شد. اما جریان جدی تری که از دهه هشتاد شروع شد، جریانی متکثر بود که از هنر فیگوراتیو تا کانسپچوال را در بر می گرفت و باعث شد تا مسأله هویت در نقاشی مسیرها و رهروان مختلفی پیدا کند. هنر نقاشی این روزها دو مسیر را دنبال می کند که از منظر اجتماعی قابل توجه اند؛ یک جریان که به دنبال بیرون کشیدن نوعی غرابیت و اغزوتیسم از زندگی و فرهنگ ایرانی است و مخاطبش هم بیشتر مخاطب غربی است. جریانی که در سینما و عکاسی هم قابل ردیابی است. یک جریان دیگر

اما نگاهش به جامعه، نگاهی بومی و هم سرنوشت است. یعنی نقاش و سوژه نقاشی اش از یک جا می آیند و مخاطب هم از همان جا. این جریانی است که این روزها با شبکه های اجتماعی بیش از هر زمان دیگری دیده و جدی گرفته می شود. این دیده شدن هم یک اتفاق تازه در هنر تجسمی است. یعنی از حاشیه درآمدن کسانی که قبلاً کمتر دیده می شدند.

### کوچه ها و حضور غایب انسان

مجموعه کوچه برای من، توجه به سوییهای از مدرنیسم شهری است که در زبان جامعه شناسی به آن فضاهای حاشیه ای می گویند. فضاهایی که روزگاری متن شهر بوده اند. کوچه هایی تنگ و باریک از شهرهای مختلف ایران که برای من پوست و رگ و پی دارند و با اینکه المان انسانی در آن ها نمی بینید اما زندگی در آن ها جریان دارد. برای من محیطی که می شناسم از اتاق خودم گرفته تا کوچه هایی که در آن ها بزرگ شده ام تا ایستگاه های قطاری که به آن ها رفت و آمد داشته ام، همیشه سوژه های جذابی بوده اند. این کوچه ها هم متعلق به گذشته نیستند، بلکه

بخشی از زندگی و تصویر عینی زمانه ای است که در آن به سر می بریم. وضعیتی عینی که در نهایت مخاطب را به یک وضعیت ذهنی و فکری می رساند. در این مجموعه اگرچه انسان را نمی بینید اما تمام عناصر زندگی روزمره ایرانی را خواهید دید؛ از تیرها و سیم های برق گرفته تا کنتورهای گاز و جوی آب وسط کوچه ها... این ها مهم ترین مشخصه های محیط پیرامون ما در دهه ۶۰ بوده اند و حالا هم برای زندگی بسیاری از مردم بخصوص در مناطق حاشیه، عناصر زندگی روزمره محسوب می شوند. مجموعه شطرنج بازاها که از ۲۰ سال پیش شروع شده هم کماکان در قالب طراحی و چاپ اچینگ ادامه دارد. این مجموعه هم به نوعی پرداختن به آدم های حاشیه ای است که در کوچه ها و پارک ها جمع می شوند و با یک بازی خود را مشغول می کنند. آثاری که تصویری از زندگی اجتماعی آدم های معمولی دوروبر ماست. آدم های معمولی چون بازنشستگان که گویی بیشتر از اینکه درگیر بازی شطرنج باشند، درگیر یک تصمیم جمعی مهم هستند؛ هیبت هایی خداگونه که انگار در یک لحظه مهم، و برای تصمیمی مهم، به شور نشسته اند.

مجموعه کوچه برای من، توجه به سوییهای از مدرنیسم شهری است که در زبان جامعه شناسی به آن فضاهای حاشیه ای می گویند. فضاهایی که روزگاری متن شهر بوده اند. کوچه هایی تنگ و باریک از شهرهای مختلف ایران که برای من پوست و رگ و پی دارند و با اینکه المان انسانی در آن ها نمی بینید اما زندگی در آن ها جریان دارد.

